

معروف است که جهانگردی به دیساری رسید به اولین فردی که رو به رو شد سلام گفت و از او جوایی با لکنت زبان شنید. دومی موسمی را نیز بر سر راه خود به همان نحو یا شدیدتر الکن یافت از آن آبادی روبرو تافت و در سفر نامه خود نوشت که «همگی مردم آن سامان را الکن یافته‌ام.» چه تصور باطلی! حقیقت غیر از این بود زیرا در آن سرزمین همین سه نفر دچار لکنت زبان بودند و بقیه از دهان گرم و فصاحت و بلاغت برخوردار بودند و جهانگرد نکونبخت با استقراء غیر کافی دست به نتیجه گیری غلط زد و حکم بی جهت راند و سرانجام از خرمن معرفت مردم با فضل و ادب آن منطقه بی بهره ماند.

نمونه‌هایی که درباره کجرویهای کودکان و قیاس آنان با معانی اخلاقی در چند شماره پیش از مشاهدات لومبروزو پدر جرم شناسی برشمردیم غرض این نبود که از آن قسانون عام و کلی بسازیم و همه کودکان را اجنایتکار و معجون اخلاقی بشناسیم زیرا این نقل قولها و این مشاهدات محدود چیزی را از نظر علمی ثابت نمیکنند. لومبروزو خود نیز پس از نقل سواردی که برشمرد به خویشی دریافت که مشاهده سواردی چند، بدون اینکه همراه ارقام و بررسی تطبیقی باشد نمیتواند جوابگوی این اصل کلی باشد «غریزه جنایت در نوزد کودکان اگر از تمایلات جنائی بزرگسالان شدیدتر نباشد لاقلاً همپایه آنست»

به همین مناسبت برای تکمیل تحقیقات لازم دید به دارالتأدیبهها و مدارس کودکان مراجعه و نوجوانان تبهکار را از نزدیک معاینه نماید تا دریابد آیا نایب هنجاری بدنی که در تبهکاران بزرگ سال مشاهده کرد در آنها نیز

کسب تجربه

نیز بر تبهکاری

از بررسی این نمونه‌ها
نباید قاعده کلی ساخت

کودکان

دکتر مهدی کی‌نیا - استاد دانشگاه

وجود دارد ؟

۱- جنایتکاران - ۷۹ کودک کمتر از ۱۲ سال ، در دارالتأدیب بسه سر میبردند که در میان آنها ۴ نفر دزد ، ۲۷ نفر بدکار و ولگرد ، ۷ نفر قاتل بوده‌اند و در باره خطای بقیه اطلاعی به ما (لوسبروزو) نداده‌اند .
نابه‌هنجاریهائی در آنان مشاهده شد که برحسب فراوانی به این شرح است :

۳۰ نفر دارای گوشه‌های بی تناسب

۱۹ نفر با سری مورب

۱۴ نفر با فک بزرگ و پیش آمده

۱۰ نفر با قیافه ابلهان

۹ نفر با بینی بدریخت

۷ نفر با سینوس جبهی متورم

۵ نفر دارای نگاه مورب

۵ نفر مبتلی به توقف رشد

۴ نفر به کله‌های دراز

۳ نفر با پیشانی جلو آمده

۳ نفر با جراحاتی در سر

۲ نفر با دهانی بی‌ریخت

۲ نفر با بینی کج

۲ نفر با پنگاه مضطرب

۱ نفر موهای سرش سفید شده

۱ نفر با دندانهای روی هم افتاده

۲۱ نفر با پیشانی کوچک و کوتاه

۱۶ نفر دارای گونه‌های برجسته

۱۰ نفر با پیشانی پوشیده از مو

۹ نفر مبتلی به گواتر

۸ نفر دارای چشمان کوچک و بی‌نور

۶ نفر نیدروسفال

۵ نفر احوال

۴ نفر ، موهای سرشان پرپشت

۴ نفر با قیافه پیرسردان

۳ نفر با گوشه‌های ستبر و دراز

۲ نفر با کله‌های پهن

۲ نفر مبتلی به جلو آمدگی فک

۲ نفر با چانه محوشده

۲ نفر بیمار قلبی

۱ نفر با چهره‌ای بزرگ

۱ نفر با حلقه‌های نابرابر

در آن میان فقط ۷ نفر (کمتر از ۸/۹ درصد) هیچ نا به‌هنجاری در سرشت خسود نداشتند یکی از آنها واقعا جنایتکار نبود اما او قربانی والدین خود شده است او را به جرم تنبلی در دارالتأدیب زندانی کرده‌اند. به علاوه یک نفر به‌طور غیر عمدی مرتکب قتل شدویک تن هم مصروع بوده است .

راجع به نقش وراثت فقط درباره ۹۰ نفر اطلاعاتی به دست آورده‌اند .

در نزد پدر و مادر یا نزدیکترین خویشاوندان ۲۷ نفر نابه‌هنجاریهای دستگاه

عصبی به این شرح دیده شد :

در سه مورد ، بیماریهای دماغی : یک

مورد در نزد پدر و دو مورد در نزد عموها ؛

در یک مورد عمویک نفر سخت کم عقل بود ؛

در سه مورد غرائز شدید : یک مورد نزد

مادر و دو مورد نزد پدر و در یکی از این موارد

الکلیسم نیز مزید بر علت بود :

در چهار مورد ، بیماریهای عصبی : سه

مورد در نزد پدر (یک نفر مصروع بر اثر

الکلیسم ، یک نفر کر ، یک نفر مبتلی به ساتورنسم) ،

یک مورد نزد مادر بیماری سفالژی مزمن ؛

در پنج مورد ، گرایشهای جنائی بسا

مشکوک : در چهار مورد گرایش به راهزنی

(دو مورد نزد پدر که در عین حال الکلیک

بودند ، یک مورد نزد برادر و یک مورد نزد

عمو) و یک مورد گرایش به فحشاء (در نزد

خواهر) ؛

در چهار مورد ، فساد اخلاق بدون تعیین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اشاره شد (یعنی رویهم ۱۱ نفر از پدران یا
خویشاوندان نزدیک این ۲۷ نفر الکلیک
بوده‌اند)

از این بررسی نتیجه میشود که تیپ‌جنائی
با خصوصیات : گوشه‌های بی تناسب ، پیشانی

عنوان خاص : یک مورد در تمام خانواده ،
یک مورد نزد مادر ، دو مورد نزد برادر ؛

در هفت مورد ، دائم‌الخمری : شش
مورد نزد پدر ، یک مورد نزد برادر . بدون
حسابه چهار موردی که در گروه‌های قبلی

کوتاه، کله مورب، پیش آمدگی فک، عدم تقارن صورت و غیره در بین صغار به ۵۹٪ میرسد و آگسراین نابه هنجاریها را هر یک منفرداً در نظر گیریم ۹۱٪ کودکان بزهکار به گونه ای دارای نابه هنجاری هستند.

تأثیرات ارثی الکلیسم، جنون و جنایت در بین کودکان بزهکار به همان نسبتی است که در بین جنایتکاران بزرگ سال مشاهده میشود.

تعداد قابل ملاحظه ای از جنایتکاران زودرس (۴۰ درصد) نابه هنجاریهای ارثی مشخصی ندارند.

برای تکمیل این تحقیق، بررسی نوجوانانیکه مرتکب بزه نشده بودند ضرورت داشت و ما (لوسبروزو) این تحقیقات را در چند دبستان انجام داده ایم.

۱۶۰ کودک دبستانهای روستائی را که ما (لوسبروزو) مستقیماً، یکی بعد از دیگری معاینه و بررسی کرده ایم نتایج زیر به دست آمد:

۸۹ نفر به هنجار اخلاقی با خصوصیات بدنی

به هنجار ۶۲ نفر با خصوصیات بدنی نابه هنجار

۲۷ نفر باوالدین شرافتمند ۶۴ نفر با والدین ناشناخته ۱۸ نفر باوالدین فاسد الاخلاق ۷ نفر

۱ نفر: بخود پرداختن بدون نابه هنجاری بدنی ۳ نفر با نابه هنجاری بدنی ۸ نفر با والدین شرافتمند ۳ نفر باوالدین ناشناخته ۱ نفر با والدین فاسد الاخلاق ۷ نفر ۱۶۰ نفر مورد

آزمون ۷۱ نفر نابه هنجار اخلاقی ۱۱ نفر: ساتوئید بدون نابه هنجاری بدنی ۴ نفر با نابه هنجاری بدنی ۷ نفر با والدین شرافتمند ۴ نفر باوالدین ناشناخته ۳ نفر باوالدین فاسد الاخلاق

۵ نفر ۶ نفر: دزد بدون نابه هنجاری بدنی ۱ نفر

۱ نفر

با نابه هنجاری بدنی ۵ نفر باوالدین شرافتمند ۴ نفر باوالدین فاسد الاخلاق ۴ نفر ۳ نفر: شرور بدون نابه هنجاری بدنی ۱۴ نفر با نابه هنجاری بدنی ۲۹ نفر باوالدین شرافتمند ۲۱ نفر باوالدین ناشناخته ۵ نفر با والدین فاسد الاخلاق ۱۷ نفر

از این واقعیت میتوان به این نتیجه دست یافت که تأثیر وراثت مرضی در تولید نابه هنجاریهای منسش قابل ملاحظه است هر چند که از سوی دیگر در ۱۵٪ از موارد مانع رشد منسشهای به هنجار نشده است.

همچنین نابه هنجاریهای بدنی به وفور در نزد افراد فاسد الاخلاق وجود دارد هر چند که امکان دارد بعضی از اشخاصیکه جزء نیکو سیرتان هستند دچار نابه هنجاریهای بدنی باشند و به عکس گروهی قلیل دچار فساد اخلاق باشند اما نابه هنجاریهای بدنی در آنان مشاهده نشود.

۳ - اما درباره خصوصیات مرضی که در بین والدین وجود داشته و از طریق وراثت به فرزندان آنان انتقال یاتمه، در درجه اول الکلیسم قرار دارد که به ۱۱ مورد میرسید پس از آن سرعت غضب در ۷ مورد، حالت تشنج پدر و فساد اخلاقی مادر در ۵ مورد، نیمه جنون در ۳ مورد، بی عفتی در ۲ مورد، عوارض پیری در دو مورد، خنازیر در ۱ مورد، کرولالی در یک مورد و فساد اخلاقی عمودر یک مورد وجود داشت خصوصیات بیماریهای بدنی که در بین کودکان مبتلی به نابه هنجاریهای اخلاقی شدت داشته است به این شرح بود:

۸ مورد قیافه پیر

۸ مورد فک به جلو آمده

۶ مورد قیافه ناستقارن

- ۴ مورد چانه به جلو آمد
 ۳ مورد نابه هنجاری جمجمه
 ۲ مورد توقف رشد
 ۲ مورد گوشه‌های بی تناسب
 ۶ مورد سینوسهای جبهی متورم
 ۴ مورد پیشانی تنگ و کوتاه یا به عقب رفته
 ۲ مورد پیشانی پرمو
 ۲ مورد نگاه مضطرب
 ۱ مورد گونه‌های برجسته، سردرشت و دهان

بی‌ریخت

در ۸ مورد سه خصوصیت یکجادر کودک مشاهده شد: در چهار مورد، پلاژیوسفالی، نگاه سیعانه، لوچی؛ در دو مورد، سینوس جبهی رشد کرده، فک جلو آمده و گونه‌ها برجسته و بزرگ، در یک مورد، تروکوسفالی، پیشانی عقب رفته و نابه هنجاری دیگر جمجمه خصوصیاتیکه درجانی زاده مشاهده میشود. یک بررسی بسیار دقیق در یک مؤسسه خصوصی برای نوجوانان نسر و تمند «کالج بین‌المللی تورن» که در مورد صد نفر به عمل آمده این نتایج را به ما اعلام داشته است:

۳ نفر هم از لحاظ بدنی و هم از نظر اخلاقی کاملاً به هنجار بوده‌اند و در ۴ نفر ویژگی‌ها و آثار انحطاط وجود داشته‌است. در میان گروه اخیر، فقط شش تن به‌گرایشهای غیر اخلاقی، خشونت، عشق به نزاع، غفلت از درس خواندن، دروغگوئی دچار بوده‌اند. در عوض دو نفر علی‌رغم این ویژگی‌های نابه هنجار، از رفتاری بسیار عالی و طبیعی برخوردار بوده‌اند این امر نشان میدهد که یک نابه هنجاری بدنی لزوماً همیشه نابه هنجاری روانی در پی ندارد.

اما اگر در این کالج، نابه هنجاریهای روانی نادیده‌است، ملاحظاتی ما را بهیچوجه

سست جلوه‌گر نمیسازد. فراموش نکنیم که این کالج یک آموزشگاه استثنائی است که بنا بر مصلحت جامعه تأسیس شده و با سریان ممتاز، فرزندان خانواده‌های ثروتمند را با شرایط سنگین، برای تعلیم و تربیت گلچین کرده است، در سایر آموزشگاهها، خاصه آموزشگاههای روستائی رعایت نکات فوق میسر نبوده است؛ انضباط شدید در آن کالج حکمفرما بود به طوری که کوچکترین خطای دانش آموز موجب طرد او از آموزشگاه میگردید؛ عکس یک تن دانش آموز اخراجی سال پیش را که مرتکب سرقت شده بود به ما ارائه داده‌اند: واجد تمام خصوصیات بود که در فوق شرح داده‌ایم: گوشه‌ها درشت و بی تناسب، اکسی سفال، پیشانی کوچک، گونه‌های خیلی برجسته.

بالاخره یک بررسی روی ۳۵ نفر کور مادر زاد و ۵۰ نفر کور لال این نکته را روشن کرده است که تمام این اختلالهای بدنی با یک نسبت که از ۷۰٪ تجاوز میکند در میان بزرگسالان و حتی در میان کورولهای ثروتمند هم وجود دارد.

اینکه به سهولت میتوان نتیجه گرفت: نابه هنجاریهای اخلاقی که در یک بزرگسال است موجد تبهکاری در بین کودکان در نسبتی بزرگتر و با همان علائم ویژه بر اثر علل ارثی بروز میکند. این نابه هنجاریها بر اثر یک تربیت صحیح زوال پذیرند. در این توجیه، در مورد کوچکتر بودن نسبت تبهکاران بزرگ سال، اختلافات ناشی از مرگ و میر و تعدادی از کسانی که از جنگ قانون میگریزند رعایت گردید. نابه هنجاریهای بدنی در میان نوجوانان فاسدالخلق از دو برابر آنچه در میان افراد به هنجار اخلاقی وجود دارد تجاوز میکند (مقیاسه ۶۹٪ نابه هنجارها با ۳۰٪ در میان

به هنجارها) و اثر وراثت در میان همین افراد از سه برابر تجاوز میکند (نسبت ۵۲ به ۱۰ را به یاد آورید)

واقعیت دیگر این است که نابه هنجاریهای بدنی و وراثت، به نسبت کوچکی، قابل جمع هستند. از والدین سالم و باتقوی فرزندانسی شرور تحسویل جامعه گردید و به عکس، فرزندان باتقوی و شرافتمند از میان والدین فاسد برخاسته اند.

۴ - از تحقیقاتیکه در جریان زندگی ۲۹ کودک تا سن بزرگ سالی به عمل آورده ایم (طبع این تحقیق اقتضاء میکرد که این چنین محدود باشد) نتایجی به دست آمد که خلاصه آن به این شرح است:

یازده کودک هیچگونه نابه هنجاری بدنی نداشته اند؛ سه نفر از بین آنها از کودکی شرور، تبیل، خشن و بی رحم بودند ولی بعداً اصلاح شدند؛ هشت نفر از کودکی نیک بوده اند و در بزرگ سالی نیز جزء نیکان باقی مانده اند.

هیجده نفر دارای خصوصیات مختلف بدنی تبهکاران بوده اند. در میان این عده ۴ نفر از کودکی جزء نیکان بوده اند و در بزرگ سالی نیز همچنان نیک سیرت باقی مانده اند؛ دو نفر، به عکس، به موازات افزایش سن، فاسد الاخلاق شدند.

دوازده نفر در عین حال دچار نابه هنجاریهای بدنی و اخلاقی بودند؛ ۴ نفر خشن، ۳ نفر حسود، یک نفر کینه جو، دو نفر دزد بودند و سه نفر به خود سپرداختند؛ شش نفر از این میان به مرور زمان اصلاح شدند.

در اینجا باز هم ملاحظه میشود که نابه هنجاریهای اخلاقی ناشی از نابه هنجاریهای بدنی تاچه حد امکان دارد اصلاح گردد و به

سرانجام میمونی گرایش یابد همچنانکه ۴ نفر از بین دوازده نفر جامعه عاقبت اخلاقی پوشیدند. مع هذا اگر نابه هنجاریهای بدنی در بین نباشد، فساد اخلاقی نخستین، هرچه بوده باشد، احتمال اصلاح پذیری آن بیشتر است.

میتوانند سرا (لسوسبروزو) مسورد ایراد قرار دهند که نتوانسته باشم در زیر نقاب تقوی، چهره کثیف ریا و تزویر را تشخیص داده باشم و اصلاحاتی که من ثبت کرده ام صوری و فاقد معنی بوده باشد. اعتراف میکنم که امکان برکنار ماندن از چنین فرضی را مطلقاً در خود نمی بینم (۱)

تحقیقات لوسبروزو، بنا بر آنچه گذشت، بیشتر بر پایه شواهدات او در نابه هنجاریهای بدنی بوده است. اما دکتر ایتن دوگریف محقق و استاد فقید بلژیکی در درجه اول به عوامل جرم زای اجتماعی خاصه تأثیر سوء محیط خانوادگی نابه سامان یافاسد و آلوده در کج رویهای کود کان توجه نموده است طبق نوشته این پژوهشگر نامی، نتیجه تحقیقات

«مؤسسه مرکزی مشاهده مل» درباره ۲۸۵۵ کودک که فاقد اخلاق صحیح بوده و به بی نظمی خو گرفته بودند چنین است: فقط ۳۶۴ نفر متعلق به محیطهای خسانوادگی بودند که سازمان صحیح داشتند، ۵۰۹ نفر فاقد پدر بودند، ۶۱۲ نفر مادر نداشتند، ۴۰۶ نفر از پدر و مادر محروم بودند، ۵۸۳ نفر در خانواده هائی زندگی میکردند که بین پدر و مادر آنان عقد ازدواج قانونی برقرار نبود، ۲۹۷ نفر پدران دائم الخمری داشتند که کار آنان به فضاحت انجامیده بود، ۲۶۴ نفر دارای مادران میگسار بودند، پدر و مادر ۲۴۹ کودک هر روز به مستی تن در میدادند، والدین ۲۹۰ نفر از حق ابوت و حضانت محروم

بودند، پسران شروع ۱۹۲ نفر شناساخته نشدند، ۱۸۹ نفر با پدر یا مادر خود به مشاجره می‌پرداختند، ۴۹۶ نفر پدر یا مادر کانون خانوادگی را ترک گفته بودند، ۱۳۴ نفر پدر یا مادری داشتند که دارای سابقه محکومیت کیفری بودند ۲۶۲ نفر دارای پدر و مادری بودند که نقص عضوی داشتند، ۱۰۹ نفر به وسیله محیط خانوادگی به دزدی سوق داده شدند، ۱۰۷ نفر در انبار منزل داشتند، ۲۹۴ نفر در اطای با لاقل ۶ نفر دیگر به سر میبردند، ۶۴ نفر هریک با سه نفر در یک تختخواب میخوابیدند، ۲۶۵ نفر هر یک با ۲ نفر ... دکتر دوگریف با استفاده از این آمار جنائی نتیجه میگیرد که ۶۴/۸ درصد کودکان تبهکار متعلق به خانواده‌های ازهم پاشیده است، خانواده بی‌سامان افراد نابه سامان می‌پروراند. (۲)

دکتر دوگریف در روی سوابق خانوادگی زندانیان لوون مطالعاتی به عمل آورد. بررسی این استاد سبتی برگزارشهای یک دوشیزه از مددکاران اجتماعی وابسته به زندان لوون میباشد. از میان چندین گزارش، وی فقط ۵ پرونده را، بدون هیچگونه قیدوشرط برای اتمه خاب آن، برگزید. از این ۵ پرونده پنج پرونده مربوط به سرقت، سه‌سورد جاسوسی، ۱۵ پرونده قتل، ۱۴ پرونده هتک ناموس و اعمال منافی عفت و ۱۳ پرونده مربوط به جنایت شهبانی بود.

دکتر دوگریف فقط پرونده‌های مربوط به قتل و جنایات شهبانی را که بهترین نمونه و مدارک مربوط به تأثیر محیط خانوادگی است از میان سایر پرونده‌ها جدا ساخت البته عوامل مختلف و گوناگون در هر یک از این پرونده‌ها به دقت بررسی و مورد توجه مددکار اجتماعی

واقع شده بود . . . هیجده خانواده از ۲۸ خانواده مذکور در فقر به سر میبردند. از این ۲۸ خانواده، ده خانواده دور از جمعیت زندگی می‌کردند و از آن میان ۷ خانواده بیکار بودند.. البته موارد محدودی وجود داشت که سازمان خانواده علی‌الظاهر طبیعی بوده و بی‌نظمی در آن به نظر نمی‌رسید در آن موارد تحقیقات نشان داد که اختلالهای روانی از طریق وراثت نسلهای بعدی را از آسیب خود بی‌بهره نگذاشت مثلا عقده حقارت در اغلب اینگونه موارد در والدین تبهکاران دیده شد.

البته علاوه بر محیط خانوادگی، محیط آموزشگاه نیز کاملاً مؤثر بوده است. کودک باورود به آموزشگاه دارای هوسهایی است که کوششهای فردی او را بر میانگیزاند در بسیاری از موارد کوشش طفل به جائی نمی‌رسد، اغلب برای طفل امیال مفید اجتماعی پیدا میشود و می‌کوشد راهی طبیعی برای تحقق بخشیدن ایجاد نماید تأسف در آنست که کم و بیش با شکست مواجه می‌شود گاهی یک مساعدت کوچک و زمانی یک مشاور صدیق و هنگامی یک تشویق کافی است که او را به مقصود برساند ولی وقتی که هیچیک از این عوامل را در تأیید خود نمی‌بیند شکست می‌خورد و شکست او به اغلب احتمال موجب میشود که راه غیر طبیعی برگزیند. (۳)

- (1) - LOMBROSO; L'homme criminel, T ; 2 ème édition, Paris, 1895, p 120 à 127
- (2) - Dr Etienne De GREEFF, Introduction à la criminologie, P U F 1948, p 89 et 90
- (3) - IBID p 90 et 91